

## بررسی مقایسه‌ای تأثیر جهانی شدن بر توسعه اجتماعی ایران در

### دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد

فرزانه صیفوری<sup>۱</sup>، دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا<sup>۲</sup>

دکتر عباس خاتمی<sup>۳</sup> و دکتر سید جواد امام جمعه‌زاده<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۳

تاریخ وصول: ۹۷/۱۲/۱۳

#### چکیده:

جهانی‌شدن و توسعه دو گفتمان مستقل و متأثر از هم، کمتر در ارتباط با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر متأثر از جهانی‌شدن است و از میان نظریه‌پردازان در این زمینه، رولند رابرتسون را که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده را برگزیده است. این مقاله تلاش می‌کند تا تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه اجتماعی ایران در دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ را به صورت مقایسه‌ای بررسی نماید. متغیر مستقل این پژوهش جهانی‌شدن و متغیر وابسته، توسعه اجتماعی در ایران در دو دولت مذکور خواهد بود. از حیث بنیادهای نظری در این بررسی از الگوی تعمیم توسعه سیاسی و توسعه اجتماعی استفاده کرده‌ایم. در این الگوی نظری اولویت‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی از یک کشور به کشور دیگر کاملاً متفاوت درک می‌شوند. فرضیه پژوهش با توجه به آمار و ارقام معتبر جهانی توسعه اجتماعی در هر دو دولت ادامه یافت، رویکرد خاتمی مبتنی بر رفرفرم و اصلاحات جهانی و رویکرد احمدی‌نژاد مبتنی بر اندیشه‌های بومی و محلی بود، می‌باشد. بررسی‌های مقایسه‌ای نشان داد بسترهای توسعه اجتماعی دولت‌ها با توجه به رویکرد دولت‌ها می‌تواند متفاوت باشد.

**مفاهیم کلیدی:** جهانی‌شدن، توسعه اجتماعی، اصلاحات جهانی و اندیشه‌های بومی، دولت خاتمی، دولت احمدی‌نژاد

<sup>۱</sup> دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. farzaneh.seifoori@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. abbas.hatami@yahoo.com

<sup>۴</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. javad@ase.ui.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

دو گفتمان جهانی‌شدن<sup>۱</sup> و توسعه<sup>۲</sup> از فرآیندهای دوران‌ساز از نظر شکلی و ساختاری در قرن بیستم شناخته شده که به تازگی شرایط لازم برای نهادینه شدن را پیدا کرده‌اند و تاکنون در رابطه‌ی علی با هم مورد توجه چندانی قرار نگرفته‌اند. بر اساس این صورت‌بندی، جهانی‌شدن می‌تواند علاوه بر کشورها بر دولت‌ها در یک کشور هم تأثیرات گوناگونی را داشته باشد. در این مقاله می‌خواهیم به این سؤال مهم پاسخ دهیم که آیا سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و عملکردهای دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد در راستای جهانی‌شدن آن همگام بوده است یا با ادبیات ویژه خود در عین حفظ نسبی ارزش‌ها و اصول عقیدتی انقلاب اسلامی به شکل متقاطع با آن حرکت کرده است؟

در این زمینه دولت سید محمد خاتمی سیاست تنش‌زدایی را در چارچوب «عزت، حکمت و مصلحت» ارائه داد. این عبارت هدف گونه را دقیقاً در «سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران» مشاهده می‌کنیم. به عبارتی تعامل سازنده‌ی مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت را در این دوره شاهد هستیم که البته از سایر بندهای آن مستقل نیست. کاربرد چنین واژه‌هایی نشان از طراحی و اجرای سیاست خارجی کشور بر اساس استقلال رأی و حل‌نشدن در سایر جریان‌ها را دارد.

گفتمان دولت خاتمی نقش «دولت ملی» را در فرآیند توسعه کم‌رنگ کرد، علاوه بر اینکه تئوری‌ها و راهبردهای غیر بومی و وابسته گرایانه‌ای در این دوره مطرح شد، بسیاری از مسائل اصلی و معضلات واقعی جامعه با بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی مسائل مرتبط با فرآیندهای جهانی‌شدن به‌عنوان نیازهای واقعی جامعه‌ی ایران نادیده گرفته شد و یا در کمترین حالت به حاشیه رانده می‌شد و فکر و برنامه‌ی اساسی برای آن در نظر گرفته نشد. سرانجام این دولت در تابستان ۱۳۸۴ به دوره‌ی فعالیت خود پایان داد و این در حالی بود که احمدی‌نژاد با رویکرد و سیاست دیگری تحت عنوان «ظهور دولت ملی در عصر جهانی‌شدن» در سال ۱۳۸۴ بر روی کار آمد. او به‌عنوان رئیس دولت نهم و دهم عدم اعتقاد خود را نسبت به «هضم و ادغام در روند جهانی‌شدن» یعنی دیدگاهی کاملاً متفاوت با رئیس دولت هفتم و هشتم عنوان می‌کند.

<sup>1</sup> globalization

<sup>2</sup> development

احمدی‌نژاد جهانی‌سازی را در فرآیند جهانی‌شدن تحصیل فرهنگ، تحمیل ادبیات و یک نوع زندگی خاص بر همه‌ی ملتها می‌داند که در واقع تضمین تداوم سلطه بر همه‌ی جهان و حفظ فاصله بین کشورهای فقیر و غنی است.

احمدی‌نژاد عدم نفوذ تصمیمات دولت را در افول نقش «دولت ملی» بسیار کارساز می‌داند و این نقطه حرکت احمدی‌نژاد در عصر جهانی‌شدن را در مقابله با روند سرزمین زدایی قرار می‌دهد، دیدگاه او در این زمینه با دیدگاه خاتمی رئیس دولت هفتم و هشتم کاملاً متفاوت است. احمدی‌نژاد مشارکت در توسعه‌ی اجتماعی را در روند جهانی‌شدن از خاستگاه «ایران» و پایگاه «ایرانی» می‌داند. این پژوهش با علم به رویکردهای متفاوت دولت نسبت به این روند با استفاده از روش مقایسه‌ای به بررسی نقاط اشتراک و افتراق در این زمینه پرداخته و سپس به تحلیل آماری و نتیجه‌گیری مطلوب در این رابطه خواهد پرداخت.

### پیشینه پژوهش

اهمیت نگارش پیشینه‌ی پژوهش در این است که نشان دهد پژوهش حاضر در بستر طیف گسترده‌ای از تحقیقات و مطالعات قبلی بنا نهاده شده است ( *Seyed Emami*, 2008: 133-134).

جهانی‌شدن مقوله‌ای است که در طول چند دهه‌ی اخیر ذهن بسیاری از اندیشمندان و کارشناسان را در حیطه‌ی مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی به خود مشغول کرده است و با روند طبیعی خود پیشرفت فناوری‌های ارتباطی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را تحت تأثیر قرار داده است و باعث نزدیک‌تر شدن انسان‌ها با انواع تفاوت‌هایشان از نظر نژاد، ملیت، رنگ و مرز جغرافیایی شده است.

با توجه به منابع متنوع اعم از کتب و مقالات متعدد و حتی ترجمه شده به زبان فارسی اگر بخواهیم تقسیم‌بندی را بر حسب ذوق و سلیقه به تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه به شکل عام آن انجام دهیم می‌توان به نویسندگانی مانند *Harbison, Dunlup, Kery*، *Bell*، نیکلاس لوهمان اشاره کرد. نظریه‌پردازانی مانند *Gilpin, Burton* و *Rosena* از دیدگاه سیاسی به این موضوع پرداخته‌اند و افرادی مانند مارشال مک‌لوهان چشم‌انداز فرهنگی و ارتباطی نسبت به مقوله‌ی جهانی‌شدن داشته است (Mclohan, 1964:83)؛ و یا آنتونی گیدنز (Giddens, 1990:83). رونالد رابرتسون و مالکوم واترز دیدگاهی مستقل

و پویا نسبت به این موضوع داشته‌اند و آثار جامعی هم از خود ارائه کرده‌اند (Robertson, 1992:92).

در مقدمه اقدام به معرفی سه مورد از آثار ایرانی می‌کنیم: در ایران متفکرینی مانند سریع‌القلم (۱۳۸۷)، در کتاب خود با عنوان ایران و جهانی‌شدن - چالش‌ها و راه‌حل‌ها به بررسی باورها و پایگاه‌های اجتماعی نخبگان سیاسی و ساختار اجتماعی - سیاسی داخلی در قالب فهم خطی - تاریخی مسائل ایران و بررسی روند جهانی‌شدن به‌عنوان مرحله‌ی جدید نظام سرمایه‌داری در ساختار قدرت و ثروت نظام بین‌الملل با تحلیلی مبنی بر شناخت محیط بین‌المللی ایران پرداخته است.

شهرام‌نیا از نویسندگان این مقاله و صاحب‌نظر در این زمینه (۱۳۸۵)، در کتابش با عنوان جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران به بررسی تأثیر شاخص‌های جهانی‌شدن بر تغییر و نوسان شاخص‌های دموکراسی پرداخته است. شهرام‌نیا عواملی مانند وضعیت احزاب، جایگاه مطبوعات، چگونگی انتخاب و روند تصمیم‌گیری و چرخش قدرت سیاسی را که هر یک می‌تواند تحت تأثیر عوامل جهانی و نشانگر وضعیت دموکراتیزاسیون ایران باشد را مورد بررسی قرار داده است.

کتاب جهانی‌شدن: برداشتها و پیامدها (۱۳۸۲) در قالب مقالات مختلف به بررسی برداشتها و مختلف از جهانی‌شدن، پیامدهای کلان آن در روابط بین‌الملل و در حوزه‌ی جغرافیایی اعم از خاورمیانه و ایران با موضوعات مشخصی مانند انرژی و اوپک پرداخته است.

این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده که چند نمونه از آنها را نام بردیم از این نظر متفاوت است که به بررسی تأثیر جهانی‌شدن به‌عنوان متغیر مستقل و کلیدواژه‌ی مهم بر روی توسعه‌ی اجتماعی ایران به‌عنوان متغیر وابسته پرداخته است و مطالعه‌ی تحلیلی را در پیش گرفته که ارزش مقایسه‌ای از نوع علی با توجه به دیدگاه‌های متفاوت و چگونگی تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه‌ی اجتماعی در دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد را دارد چرا که از وقتی مبحث سنجش میزان جهانی‌شدن کشورها نمود بیشتری یافت اندازه‌گیری شاخص جهانی‌شدن با ابعاد مختلف آن قوت بیشتری به خود گرفت. این مقاله تلاش می‌کند موضوع تأثیر ایران از جهانی‌شدن اجتماعی را به شکل مقایسه‌ی دو دولت از این روند بررسی نموده تا به این نتیجه برسد که تصمیم‌گیری‌ها و خط مشی دولت‌ها تا چه اندازه می‌تواند بر مسیر توسعه‌ی اجتماعی همگام با روند جهانی‌شدن تأثیرگذار باشد.

## انگاره‌نگاری پژوهش

پیش از ورود به هر بحث علمی نیاز است تا انگاره‌ها و مفاهیم محوری پژوهش، تعریف و مورد دقت نظر قرار گیرد (Seyed Emami, 2008:162) تا فهم روشن و دقیقی از مفاهیم به کار رفته در پژوهش به دست آید. با توجه به این مهم ابتدا به تعریف روش مقایسه‌ای، جهانی شدن، توسعه، دولت خاتمی و احمدی‌نژاد در این رابطه می‌پردازیم.

## ۱- روش بررسی مقایسه‌ای

روش مقایسه‌ای راهی برای مطالعه و بررسی انواع تنوع‌ها با زیر مجموعه‌ای از شباهت‌ها و تفاوت‌ها در مجموعه‌ای معین از موارد انتخاب شده برای استنباط علمی توصیفی و یا علی از طریق مقایسه‌ی نظام‌مند شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر است که برای همگن‌سازی اطلاعات و به دست آوردن متغیرهای قابل مقایسه در سطح جهانی استفاده می‌شود (Manouchehri, 2008:256). از وقتی مطالعات بین‌الملل و یا مبحث جهانی شدن به‌عنوان مباحث روز مطرح شد، بررسی مقایسه‌ای نسبت به آن هم مورد توجه و علاقمندی قرار گرفت. به‌عنوان مثال در این پژوهش بررسی دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد با استفاده از متغیر جهانی شدن اجتماعی بر توسعه‌ی اجتماعی ایران برای فرضیه آزمایشی مد نظر قرار گرفته است. روش مقایسه‌ای مبنی بر مقایسه‌ی دو یا چند گروه و یا جامعه و حتی فرد است که موضوع مقایسه هستند. این مقایسه می‌تواند بر روی گروهی خاص در زمان‌های مختلف صورت گیرد، در بررسی مقایسه‌ای ضروری نیست موارد مورد مطالعه حتماً کشورها یا جوامع باشند. چه بسا در این پژوهش دو دولت در یک جامعه مورد بررسی قرار خواهند گرفت که این مفهوم در زبان فارسی روش تطبیقی خوانده می‌شود (Saroukhani, 2006:40). هدف آن بررسی مقایسه‌ای تعدادی معدود از یک متغیر در یک نمونه‌ی وسیع از واحدها است (Taheri, 2005:19).

اولین هدف روش مقایسه‌ای توصیف پدیده‌های سیاسی و اجتماعی یک کشور یا کشورها در قالب توصیف خوب، بسیار مهم است. هدف دوم این روش طبقه‌بندی است که داده‌ها را شفاف‌تر می‌کند. طبقه‌بندی را می‌توان با معیار شروع کرد و بر اساس آن طبقه‌بندی را انجام داد مثلاً در این مقاله جهانی شدن را معیار در نظر گرفتیم و از میان ابعاد توسعه، توسعه‌ی اجتماعی را برگزیده‌ایم تا به تأثیر این روند بر توسعه‌ی اجتماعی پرداخته و طبقه‌بندی مناسبی را انجام دهیم. هدف سوم روش مقایسه‌ای فرضیه آزمایشی است که در این پژوهش با تبیین و بررسی به فرضیه آزمایشی موضوع مورد بحث خواهیم

پرداخت. هدف آخر روش مقایسه‌ای پیش‌بینی است. به‌عنوان مثال در این پژوهش با بررسی جهانی‌شدن اجتماعی به پیش‌بینی تأثیر این روند بر روی توسعه‌ی اجتماعی نسبت به دولت‌های پیش رو با رویکردهای اجتماعی‌شان خواهیم پرداخت. هر چند ممکن است در بسیاری از پژوهش‌ها در نهایت به پیش‌بینی پرداخته نشود در هر صورت این روند در سیاست مقایسه‌ای بر حسب احتمالات بیان می‌شود (Manouchehri, 2008:261).

این مقاله بر آن است تا از روش مقایسه‌ای و در مواردی از نوع علی بهره گیرد، پژوهشگر در این روش با توجه به متغیر وابسته علت‌های احتمالی یک پدیده را با در نظر قرار دادن گذشته‌ی آن بررسی می‌کند تا به علت احتمالی آن پی ببرد. در بعضی موارد علت‌ها ممکن است قابل دستکاری هم نباشند. به‌عنوان مثال در این مقاله جهانی‌شدن به عنوان متغیر مستقل از ویژگی‌هایی برخوردار است که تأثیراتش بر روی مصداق‌هایی مانند توسعه خیلی از مواقع اجتناب‌ناپذیر است. یعنی این فرآیند از مجرای ساختار دولت‌ها نیز می‌گذرد. در این مقاله با بررسی اجمالی فرصت‌ها و محدودیت‌های دو دولت شاخص‌ها و زیر شاخص‌هایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که بیانگر میزان تطبیق آنها با روند جهانی‌شدن است. جامعه با این تغییرات متحول شده است و تغییرات اجتماعی با توجه به موضوع مقاله در ابعاد زندگی مختلف مردم دیده می‌شود. تفاوت عمده این دو روش در تجزیه و تحلیل علیت بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌باشد که پژوهشگر با رد و یا تأیید فرض‌های آماری به تأیید یا رد روابط علت و معلولی می‌پردازد (Taheri, 2005:192).

این پژوهش مطالعه‌ی موردی را مد نظر قرار می‌دهد که اجزای آن از نظر مکانی کشور ایران و از نظر زمانی دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد به ترتیب در دو روند زمانی مابین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ و ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ را در برمی‌گیرد. این نوع رصد کردن موردی از نظر زمانی و مکانی بر دیدگاه مک‌کی و مارش دلالت می‌کند که روش مقایسه‌ای را محدود به مقایسه‌ی کشورها نمی‌دانند بلکه مصداق کوچکی از مقایسه در واحد زمانی و مکانی را برای آن در نظر می‌گیرند (Mc Karti and Marsh, 2005:281).

این شیوه به نوعی میان دیدگاه درونی و برونی توسعه‌ی ارتباط برقرار می‌کند و با توجه به شرایط درونی و برونی و روش دولت‌ها و جهت‌گیری آنها در عرصه‌ی سیاست خارجی شاهد تغییرات جزئی و گاهی مهم هستیم. این تغییر نوع گفتمان دولت‌ها بر سطوح ملی و توسعه‌ی اجتماعی با توجه به محوریت مقاله مصداق خوبی در این رابطه است. بر این اساس موضوع مطالعه‌ی ما در این پژوهش ایران است. جهانی‌شدن اجتماعی

به‌عنوان متغیر مستقل و واحد تحلیل آن توسعه‌ی اجتماعی دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد به‌عنوان متغیرهای وابسته هستند. با توجه به دسترس بودن داده‌های جهانی‌شدن کف در این رابطه و رصد شاخص اجتماعی آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲- جهانی‌شدن

جهانی‌شدن به‌عنوان متغیر مستقل و مفهوم کلیدی در این پژوهش، از اهمیت خاصی برخوردار است. واژه‌ی جهانی‌شدن معادل واژه‌ی لاتین *Globalization* است. این عبارت لاتین برگرفته از واژه‌ی *Globe* به معنای کره‌ی زمین و جهان است. برای نخستین بار در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ وارد ادبیات روز شد و فرهنگ لغت وبستر در سال ۱۹۶۱ این واژه را در مجموعه‌ی خود جای داد. این واژه به‌عنوان یک پدیده‌ی علمی از اوایل دهه‌ی نود میلادی مورد توجه جدی پژوهشگران قرار گرفت (Akhavan Zanjani, 2007:47).

به تدریج با پیشرفت‌های سریع در حوزه‌ی ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات، واژه‌ی جهانی‌شدن اهمیتی روزافزون یافت و از دهه‌ی ۱۹۸۰ وارد مباحث سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناختی شد و به مرور جایگزین واژه‌های بین‌المللی شدن *Internationalization* و فراملی شدن *Transnationalization* گردید. جهانی‌شدن به تغییر یا دگرگونی در سطح سازماندهی بشری اشاره می‌کند که جوامع دور را به یکدیگر مرتبط ساخته و دامنه‌ی دسترسی روابط قدرت در سراسر مناطق و قاره‌های جهان را گسترش می‌دهد. با استفاده از آرای صاحب‌نظران می‌توان جهانی‌شدن را فرآیندی مبتنی بر سرعت زمان همراه با تأثیرگذاری بر کل دنیا دانست که افراد در یک جامعه واحد جهانی به شکل خودجوش ادغام می‌شوند و در نتیجه بسیاری از محدودیت‌های جغرافیایی ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی همراه با تعلقات اجتماعی و فرهنگی کمرنگ‌تر می‌شوند. شاخص‌های اجتماعی جهانی‌شدن مواردی اعم از تحرک اجتماعی و رشد مهاجرت‌ها، تنوع و گوناگونی گروه‌های مختلف قومی و محلی، افزایش سرعت ارتباطات مردمی و کاهش هزینه‌های مختلف ارتباطی و در نهایت باز شدن فضای جدید به روی افراد فارغ از نقش دولت‌ها را در بر می‌گیرد.

## ۳- توسعه

توسعه به‌عنوان متغیر وابسته‌ی این پژوهش از مفاهیم به روز و مهمی برای نشان دادن وضعیت جوامع از نظر اقتصادی، میزان نابرابری، وضعیت نیروی انسانی، وضعیت

سیاسی و اجتماعی جامعه با این مفهوم سنجیده می‌شود. این مفهوم علاوه بر اهداف کمی و کیفی برای نشان دادن میزان پیشرفت در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی استفاده می‌شود (Farhag, 1992:61). توسعه فرآیندی جهت‌دار توأم با رشد خوداتکایی است که از درون جامعه‌ی در حال توسعه در هر زمان و مکانی پی در پی اتفاق می‌افتد. این فرآیند با مفهوم مقایسه‌ای نیز می‌تواند سنجیده شود. با استفاده از آرای صاحب‌نظران می‌توان توسعه را فرآیندی مبنی بر تغییراتی همراه با اهداف کمی و کیفی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانست که در نهایت به بهبود کیفیت زندگی افراد در همه‌ی ابعاد آن می‌انجامد. توسعه‌ی اجتماعی دگرگونی در طرز تفکر، ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و نقش‌های اجتماعی را در جامعه ایجاد می‌کند. بر این اساس توسعه‌ی اجتماعی فرآیندی است که مستلزم حضور مردم در صحنه‌ی اجتماع برای رسیدن به اهداف جمعی می‌باشد. بهتر است در این فرآیند افراد به ترکیب نیازهای فردی خود با نیازهای گسترده‌تر اجتماعی پرداخته و نظمی را بر جامعه حاکم سازند تا فرآیند توسعه‌ی اجتماعی را همراه با مفاهیمی مانند عدالت، برابری و آزادی نمایان گردانند. شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی مواردی اعم از مشارکت اجتماعی، وفاق اجتماعی، عدالت اجتماعی، بالا رفتن سطح بهداشت و آموزش و پرورش، افزایش اعتماد و انسجام درون گروهی و ادغام اقلیت‌ها را در بر می‌گیرد.

#### دولت سید محمد خاتمی

دولت خاتمی مشتمل بر دولت‌های هفتم و هشتم نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد در این مدت جناح اصلاح‌طلب توانست قوه‌ی مجریه‌ی ایران را در اختیار کامل داشته باشد که از تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۷۶ تا ۱۲ مرداد ۱۳۸۴ به طول انجامید. دولت‌های خاتمی شعار اصلیشان را توسعه‌ی سیاسی و تقویت نهادهای مدنی عنوان کرده بودند. آغاز کار دولت خاتمی با کاهش قیمت نفت و کاهش درآمدهای ارزی حاصل به ۹/۹ میلیارد دلار همراه شد. استقراض از بانک مرکزی جهت رفع کسری بودجه به افزایش تورم به بیش از ۲۰ درصد در سال ۱۳۷۸ انجامید که به تدریج به حدود ۱۳ درصد کاهش یافت. دولت در این زمان سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز را به اجرا درآورد که با موفقیت همراه بود. رشد اقتصادی بیش از ۶ درصد به کاهش بدهی‌های خارجی کمک نمود. رویکرد خاص دولت نسبت به تحولات داخلی و خارجی منجر به حوادثی شد که اهم آن عبارت است از: ایجاد فضای بازتر سیاسی و مطبوعاتی در جامعه و دانشگاه‌ها، تحول جدی در روابط



خارجی به ویژه با کشورهای اروپایی، قتل‌های زنجیره‌ای، حوادث ۱۱ سپتامبر، وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸، حمله‌ی آمریکا به افغانستان و حمله‌ی آمریکا به عراق، برگزاری نخستین دوره‌ی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا بعد از انقلاب، ثبت رکورد بیشترین رشد اقتصادی در میان دولت‌های جمهوری اسلامی، اجرای موفق پایین آوردن نرخ تورم و رساندن آن به رقم ۱۰٪ و اجرای موفق تکنرخی کردن ارز.

### دولت محمود احمدی‌نژاد

ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در ۱۲ مرداد ۱۳۸۴ آغاز شد و او ششمین رئیس جمهوری اسلامی ایران شد. احمدی‌نژاد هنگام پیروزی بر اکبر هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۴، شهردار تهران بود. وی در پی انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ برای بار دوم به ریاست جمهوری رسید در حالی که رقبایی چون میر حسین موسوی، مهدی کروبی و محسن رضایی با وی به رقابت پرداختند. رویکرد خاص دولت نسبت به تحولات داخلی و خارجی منجر به حوادثی شد که اهم آن عبارت است از: نارضایتی از ساختار نظام بین‌المللی و تلاش جهت اصلاح و تغییر این ساختار، اجرای دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی، انسجام و پیشرفت در برنامه‌ی انرژی هسته‌ای ایران، افشای ماهیت هولوکاست، طرح بنگاه‌های زود بازده، طرح تحول اقتصادی و طرح مسکن مهر.

### چارچوب نظری پژوهش

پدیده‌ی جهانی‌شدن، بیش از هر چیز در آثار نوشته‌های جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان علوم سیاسی و اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. افرادی مانند *Joseph Stiglitz*, *Antony Giddens*, *Ronald Robertson*, *Martin Albrow*، *Samir Amin*، *Martin Khor* و *Paul Sweezy* و *Harry Magdoff* را می‌توان نام برد. از میان این نظریه‌پردازان به‌عنوان مثال آلبرو بر این باور است که «در تاریخ جامعه‌شناسی پنج مرحله‌ی متمایز را می‌توان یافت که آخرین آن با جهانی‌شدن ملازمت دارد: جامعه‌شناسی عام‌گرایی<sup>۱</sup>، جامعه‌شناسی ملی، بین‌المللی‌گرایی، بومی‌گرایی<sup>۲</sup> و جهانی‌شدن» (Ameli, 2011: 22). با تأکید بر دوره‌بندی آلبرو می‌توان گفت:

<sup>۱</sup> public sociology

<sup>۲</sup> indigenization

جامعه‌شناسی معاصر بدون در نظر گرفتن جهانی‌شدن، نمی‌تواند مطالعه‌ی دقیقی از نهادهای جامعه‌ی معاصر را ارائه دهد. به‌عبارتی جامعه‌ی جدید از حالت بسته بودن، جغرافیا داشتن، بومی و محلی بودن خارج شده است و عوامل ملی و فراملی را در تعامل گسترده با یکدیگر قرار داده است. جهانی‌شدن عامل انتقال جدید جامعه به قلمرو فرهنگ، سیاست و اقتصاد محسوب می‌شود که در مقایسه با کل تاریخ گذشته، تمایزهای اساسی را به وجود آورده است. یکی از مهم‌ترین این تمایزها، ظهور «صنعت ارتباطات جهانی» است که منشأ تحولات عظیمی در جهان معاصر شده و جامعه‌ی معاصر را با «همه‌ی گذشته‌ی تاریخ» متمایز کرده است. این دوره، دوره‌ای است که از آن با تعبیر مختلفی همچون، عصر فضا<sup>۱</sup> (Dickson, 2002)، عصر الکترونیکی، (Mcculough, 1998)، عصر اتمی (Larence, 2005)، عصر خورشیدی<sup>۲</sup> (Energy society, 1954)، عصر انفجار اطلاعات (Castells, 2016)، دوره‌ی ارتباطات (Betts, 1994) و یا به تعبیر مک‌لوهان «دهکده‌ی جهانی» یاد می‌شود (Ameli, 2011:22).

گیدنز هم به‌عنوان یک جامعه‌شناس جهانی‌شدن را مانند آشکارترین و پیچیده‌ترین جنبه‌ی عالی مرحله‌ی ی تجدد و یا «پیامد مدرنیزاسیون» دانسته و آن را با تئوری اجتماعی خود درباره‌ی «فشرده شدن روابط اجتماعی در سطح جهان» و «کنش از دور و با فاصله»<sup>۳</sup> که به واسطه‌ی بر هم خوردن نظم و رابطه‌ی سنتی فضا - زمان، یا «جدایی فضا و زمان»<sup>۴</sup> ممکن شده است، مرتبط می‌سازد. او چهار رکن مدرنیته را که عبارتند از: نظام سرمایه‌داری، صنعتی‌گرایی، نظارت و کنترل و قدرت نظامی را به چهار مقوله‌ی متجانس دیگر که ابعاد جهانی‌شدن را تشکیل می‌دهند پیوند می‌زند. که عبارتند از: اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، تقسیم بین‌المللی کار، سیستم دولت، ملت، نظام جهانی نظامی (Giddens, 1999:35).

گیدنز می‌نویسد: جهانی‌شدن یک واقعیت است و در حال حاضر وجود دارد چرا که در حال تغییر دادن همه چیز است. جهانی‌شدن ساخت دولت‌ها، ماهیت اقتصادها و بیشتر نهادهای اساسی را معقول می‌سازد (Ibid:35).

جوزف استیگلیتز هم به‌عنوان یکی از متفکران پیشرو در زمینه‌ی جهانی‌شدن و آینده‌ی این پدیده در اوایل قرن بیست و یکم شناخته شد. از نظر استیگلیتز، جهانی‌شدن

<sup>1</sup> space age

<sup>2</sup> solar age

<sup>3</sup> action at distance

<sup>4</sup> distancination of space and time

عبارت است از نزدیک شدن کشورها و ملت‌های جهان که نتیجه‌ی کاهش شدید هزینه‌های حمل و نقل، ارتباطات و رفع موانع مصنوعی است که در راه جریان کالاها و خدمات، سرمایه، دانش و تا حدودی افراد قرار دارد. استیگلیتز جهانی شدن را به خودی خود نه خوب و نه بد می‌داند. او معتقد است جهانی شدن را بهتر است علاوه بر ثروتمندان و کشورهای صنعتی، برای فقرا و کشورهای در حال توسعه هم در نظر گرفت. استیگلیتز مانند والرشتاین دیدگاهی اقتصادی به جهانی شدن دارد و دیدگاهش معطوف به نقد سیستم و نظام جهانی است (Sayadi, 2005:29).

در این میان رونالد رابرتسون به‌عنوان یکی از محوری‌ترین نظریه‌پردازان پارادایم جهانی شدن علاوه بر تأکید بر مفهوم در هم فشردگی جهان و تبدیل آن به مکانی واحد، بر عنصر آگاهی هم به‌عنوان نقطه‌ی عطف این فرآیند تأکید می‌کند (Rabertson, 2001:35).

مالکوم واترز به‌عنوان یکی از اندیشمندان حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی تأثیر جهانی شدن را در سه حوزه‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جوامع مختلف مهم و اساسی و قابل بررسی و پژوهش می‌داند. تأثیر این پدیده بر توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی هر کشور با توجه به شرایط و جامعه‌ی موجودش و رویکرد سیاست‌مدارانش متفاوت است و فهم و بررسی دقیق از تأثیر جهانی شدن بر توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی مسلماً به ویژگی و شرایط هر جامعه بستگی دارد. حتی به این دلیل، در مطالعه‌ی تأثیرات ناشی از جهانی شدن بر توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی در ایران لازم است ابتدا به الگویی قابل استفاده در این زمینه دست پیدا کنیم و سپس به کمک آن چگونگی تغییر شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی با توجه به محوریت مقاله در اثر تحول شاخص‌های جهانی شدن را دریافته و تأثیرات حاصل از آن را بسنجیم. در حال حاضر، مدل‌ها و الگوهای مختلفی برای فهم بیشتر تأثیر جهانی شدن بر توسعه اعم از الگوی منشور ملل متحد، الگوی جهان وطنی دیوید هلد، الگوی تعمیم توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی و الگوی نظام جهانی را می‌توان نام برد.

از آنجا که این تحقیق با مدل تعمیم توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی سازگارتر است، ضمن توضیح این الگو از آن در چارچوب نظری تبعیت می‌کنیم.

## الگوی تعمیم توسعه سیاسی و اجتماعی

در این الگو تاریخ توسعه، مسیر توسعه، اولویت‌های توسعه از نظر سیاسی و اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است. مثلاً آیا توسعه اقتصادی در اولویت است یا توسعه سیاسی<sup>۱</sup> و توسعه اجتماعی<sup>۲</sup> هم از اهمیت بسزایی در این راستا برخوردار است. مسلماً اولویت‌های توسعه در کشورهای مختلف از یکی به دیگری با توجه به شرایط مختلف می‌تواند متفاوت باشد. برای بررسی توسعه فراگیر با ساختار زیربنایی بهتر است به ظرفیت جامعه، منابع قابل دسترسی و نیروی انسانی هر جامعه‌ای توجه کرد. چرا که در بحث توسعه الگو و مدل توسعه سازگار با فرهنگ بومی هر کشور مهم، قابل تأمل و بررسی است. موانع توسعه نیز در هر کشوری از نظر فرهنگی، تاریخی، سیاسی، ظرفیت‌های جغرافیایی، زیست‌محیطی و بسیاری از وابستگی‌ها، تمرکز قدرت، چند پارگی‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرند (Bashiriyeh, 2001:73).

از آنجا که این مقاله تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه اجتماعی را دربر می‌گیرد، استفاده از این الگو با تأکید بر توسعه اجتماعی و داده‌های کف نسبت به جهانی‌شدن اجتماعی صورت می‌گیرد. با توجه به این که فرهنگ توسعه یکی از مهم‌ترین بسترها برای توسعه است می‌توان با این سؤال پیش رفت که جهانی‌شدن تا چه حد و اندازه‌ای توانسته است در کشورهای مختلف دیدگاه مثبت، علمی و یا حتی منفی نسبت به توسعه ایجاد نماید؟ مسلماً شاخص‌هایی مانند وجود فرهنگ برابری، آزادی سیاسی، نظم‌پذیری به اضافه قانون‌گرایی و عقل‌گرایی اگر ایجاد شود نشان می‌دهد که توسعه در یک جامعه اتفاق افتاده است. توضیح مجمل درباره‌ی روش مقایسه‌ای نشان داد این روش پژوهش و بررسی در همه‌ی حوزه‌های علوم انسانی ذیل رشته‌های مختلف رواج پیدا کرده و چارچوب این مقاله در اصل مقایسه‌ی وضعیت دولت‌ها با توجه به روند جهانی‌شدن نسبت به توسعه را در بر می‌گیرد و مدل توسعه برای کشورها یکسان نیست، به تعداد کشورهای مختلف مسیرها و راه‌های مختلف نسبت به توسعه وجود دارد در این الگو تمام برداشت‌ها نسبی سنجیده می‌شود و بهتر است هر کشور با بهترین الگوی خودش از نظر توسعه بررسی و مقایسه گردد. به‌عنوان مثال می‌توان به توسعه جامعه‌ی مدنی، مشارکت اجتماعی، وفاق اجتماعی، اعتماد و امنیت و فعالیت مدنی اشاره کرد. از آنجا که این مقاله تأثیر جهانی‌شدن

<sup>1</sup> political development

<sup>2</sup> social development

اجتماعی را نسبت به توسعه‌ی اجتماعی در برمی‌گیرد، استفاده از این الگو با تأکید بر توسعه‌ی اجتماعی صورت می‌گیرد.

### روند جهانی شدن و خط مشی دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد

#### ۱- خط مشی سیاسی - اجتماعی خاتمی همگام با روند جهانی شدن

انتخاب سید محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ با تعداد زیادی از آرای مردم ایران حدود ۷۰ درصد کل آرا، به‌عنوان یک پدیده‌ای سیاسی - اجتماعی مهم، تأمل و اندیشه‌ی بسیاری از تحلیل‌گران و ناظران را برانگیخت. خط‌مشی‌های داخلی اعلام شده‌ی خاتمی: حاکمیت قانون، جامعه‌ی مدنی، تساهل و تسامح، حفظ کرامت انسانی، ایجاد امنیت اجتماعی، تداوم بازسازی اقتصادی کشور، اعلام حاکمیت قانون، پاسخگو بودن دولت در برابر مردم، آزادی انتقاد و انتقادپذیری، وفاق جمعی و وحدت ملی، توسعه‌ی سیاسی و حمایت از تشکیل احزاب سیاسی را به خود اختصاص داد. این در حالی است که کُندی، رکود و حتی در پاره‌ای موارد تیرگی در روابط با برخی کشورهای اسلامی مانند برخی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، الجزایر، مصر، ترکیه و مانند آن و تیرگی روابط با تمام کشورهای اروپا به ویژه آلمان، انگلیس و فرانسه، نروژ، اتریش، سردی روابط با کشورهای پیشرفته‌ی دیگر مانند ژاپن یا حتی تیرگی روابط با کشورهای دور دستی مانند آرژانتین، سردی نسبی روابط با بعضی از دوستان با سابقه و اجماع نسبی دیگران در مورد عدم حمایت از ایران، بخش‌هایی از مشکلات سیاست خارجی ما را در اوایل سال ۱۳۷۶ تشکیل می‌داد (Aminzadeh, 2001:91). سیاست خارجی مبتنی بر گفت و گوی تمدن‌ها و ارتقای منزلت کشور، سیاست تنش‌زدایی در چهارچوب عزت، حکمت و مصلحت، سیاست خارجی مبنی بر گسترش روابط با تمام کشورهای جهان، تبدیل ایران از چهره‌ای منزوی به صورت کاملاً فعال و مثبت و از نظر توسعه‌ی اجتماعی افزایش فعالیت احزاب و گروه‌ها در دولت خاتمی، شکوفایی مطبوعات و فراهم شدن فضایی باز برای بیان تفکرات و ایده‌ها، تولید ادبیات جامعه‌ی مدنی و رشد فرهنگ سیاسی خط‌مشی‌های سیاسی داخلی و خارجی خاتمی را در این دوره به خود اختصاص داد.

#### ۲- خط مشی سیاسی - اجتماعی احمدی‌نژاد همگام با روند جهانی شدن

دولت نهم جمهوری اسلامی ایران در نتیجه‌ی پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ۳ تیر ۱۳۸۴ روی کار آمد. این دولت از تاریخ ۱۲ مرداد ۸۴ رسماً آغاز و در ۱۲

مرداد ۸۸ با شروع دولت دهم پایان یافت. احمدی‌نژاد در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۸۴ متن کامل برنامه‌ی دولت خود را اعلام کرد. او دولت خود را «دولت مهرورزی» یا «دولت مهر» نامید.

دولت دهم جمهوری اسلامی ایران در نتیجه‌ی پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ روی کار آمد. این دولت از تاریخ ۱۲ مرداد ۸۸ الی ۱۲ مرداد ۹۲ به فعالیت پرداخت و دولت حسن روحانی جایگزین آن گردید. خط مشی سیاسی دولت احمدی‌نژاد در عرصه‌ی داخلی و جهانی بر اصولی مانند نارضایتی از ساختار نظام بین‌المللی و تلاش جهت اصلاح و تغییر این ساختار، تسلط گفتمان آرمان‌گرایی اصول محور بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تکیه بر دیپلماسی عمومی، استفاده از قدرت ملی کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه در برابر قدرتهای بزرگ و از نظر توسعه‌ی اجتماعی با بیان مفاهیمی بر پایه‌ی عدالت در قالب توسعه‌ی بومی مبنی بر اندیشه‌ی بومی نسبت به توسعه‌ی اجتماعی در جهت برنامه‌ریزی برای اداره‌ی کشور و حل مشکلات مردم پیش رفت و در مواجهه با تحولات جدید با تکیه بر دولت و هویت ملی، مردم‌سالاری به معنای واقعی پیش رفت.

در این میان می‌خواهیم ببینیم وجود مواجهه‌ی سریع ایران با تحولات جهانی نو و دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد با مجموعه‌ی نخبگان و نظام سیاسی - اجتماعی‌شان تا چه اندازه توانستند با این روند همسان شوند و یا از آن فاصله بگیرند. با اشاره به مصداق‌های داخلی نسبت به توسعه‌ی اجتماعی و متأثر از روند جهانی‌شدن به بررسی سنجش‌های آماری جهانی‌شدن اجتماعی در این رابطه می‌پردازیم:

### بررسی آماری جهانی‌شدن اجتماعی نسبت به توسعه اجتماعی در دولت خاتمی و احمدی‌نژاد با استفاده از داده‌های سایت جهانی‌شدن کف<sup>۱</sup>

روند فراگیر جهانی‌شدن با تأثیر متفاوت بر روی کشورهای مختلف، سنجش میزان جهانی‌شدن با توجه به تأثیرپذیری متفاوت کشورهای مختلف نسبت به این روند در مطالعات جهانی قرار گرفت. در این مقاله هدف بررسی نقش دولت به‌عنوان متغیرهای وابسته در این پژوهش نسبت به روند جهانی‌شدن به‌عنوان متغیر مستقل است. برای بررسی عملکرد مشابه و یا متفاوت دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد نسبت به توسعه‌ی

<sup>۱</sup> Globalization Kof

اجتماعی ایران مانند بررسی کشورها با یکدیگر می‌توان از یک منبع آماری برای مقایسه‌ی رشد و نوسان شاخص‌های اجتماعی با توجه به مقایسه‌ی دو دولت در یک کشور استفاده نمود.

برای بررسی آماری سه منبع‌ای *Kearney* در سال ۲۰۰۱، *Maastricht* در سال ۲۰۰۲ و شاخص‌های جهانی شدن کف را از سال ۲۰۰۲ داریم. هر چند کف داده‌ها را ابتدا از سال ۲۰۰۲ در دسترس عموم قرار داد اما بعدها داده‌ها را از سال ۱۹۷۰ قابل دسترس نمود (Dorhor, 2006:4-5).

شاخص ای تی کرنی در اوایل سال ۲۰۰۱ توسط نشریه‌ی مشهور "سیاست خارجی" و "دفتر مشاوره‌ی بین‌المللی کرنی" برای نخستین بار با توجه به مؤلفه‌های چند بعدی جهانی شدن، شاخصی ترکیبی از این فرآیند را تعریف نموده و بر اساس آن به رتبه‌بندی کشورهای جهان از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همگام با جهانی شدن پرداخته است. ماستریخت هم شاخص‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی، ارتباطاتی و زیست‌محیطی را نسبت به روند جهانی شدن سنجیده است (Abdollahi, 2009:129). شاخص جهانی شدن کف به بررسی سه بعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پرداخته است که فرضیات آن به وسیله‌ی درهر، گاستون و مارتنز (۲۰۰۸) تشریح گردیده است. نوریس، کوهان و نای شاخص جهانی کف را با توجه به در نظر گرفتن سه بعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جهانی شدن را فرآیند خلق شبکه‌ای از پیوند میان کنشگران در فواصل میان قاره‌ای تعریف کرده‌اند که در محدوده‌ی وسیع و متنوعی از جریان‌ها شامل مردم، اطلاعات و اعتقادات، سرمایه و خدمات متبلور می‌شود (Kelarc, 2000:86-108). شاخص جهانی شدن کف همواره به ادامه‌ی روند سنجش آماری شاخص‌ها پرداخته و با دسترس قرار دادن آمارهای گذشته از سال ۱۹۷۰ طیف زمانی را گسترده‌تر نموده و هر چه جلوتر آمده بر تعداد کشورها افزوده شده به طوری که در حال حاضر تقریباً بیش از ۲۰۰ کشور را مورد بررسی قرار داده و این دامنه‌ی وسیع را از منظر سنجش آماری در دسترس قرار داده است. به این ترتیب بررسی مقایسه‌ای کشورها و حتی دولت‌ها را در درون یک کشور به شکل مطالعه‌ی موردی امکان‌پذیر نموده است. از آنجا که مبنای بررسی و مقایسه در این مقاله تأثیر جهانی شدن بر توسعه دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد را در بر می‌گیرد، این تأثیر با جهانی شدن اجتماعی نسبت به توسعه‌ی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و از آنها به‌عنوان مصداق‌هایی برای تحلیل مطالعه‌ی تفصیلی استفاده خواهد شد.

داده‌های جهانی شدن کف شاخص جهانی شدن اجتماعی را با سه زیر شاخص تعامل و

ارتباط فردی<sup>۱</sup>، گردش اطلاعات<sup>۲</sup> و مجاورت فرهنگی<sup>۳</sup> مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار داده است. هر کدام از این زیرشاخص‌ها بر حسب اندکس‌ها و متغیرهای ریزتری به‌عنوان سنججه مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته‌اند. زیر شاخص تعامل و ارتباط فردی بر حسب اندکس‌هایی مانند ترافیک مکالمات بین‌المللی<sup>۴</sup>، نقل و انتقالات مالی<sup>۵</sup>، گردشگری بین‌المللی<sup>۶</sup>، جمعیت خارجی (به‌عنوان درصدی از کل جمعیت)<sup>۷</sup> و مراسلات پستی بین‌المللی<sup>۸</sup>، داده‌های مربوط به جریان اطلاعات بر حسب اندکس‌هایی مانند میزان استفاده از اینترنت مابین هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، کاربران اینترنت مابین هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت<sup>۹</sup>، تلویزیون کابلی مابین هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت<sup>۱۰</sup>، تجارت روزنامه‌ها<sup>۱۱</sup>، استفاده از رادیو ما بین هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، داده‌های مربوط به مجاورت فرهنگی بر حسب اندکس‌هایی مانند تعداد رستوران‌های مک دونالد<sup>۱۲</sup>، مقدار سرانه و تجارت کتاب<sup>۱۳</sup> سنجیده شده‌اند. کف برای محاسبه‌ی هر یک از متغیرها را به شاخصی از ۱-۱۰۰ تبدیل کرده که مقدار ۱۰۰ بالاترین ارزش برای هر متغیر و ۱ حداقل ارزش محسوب می‌شود. این داده‌های گردآوری شده به صورت سالانه در پایان هر سال محاسبه و ارائه می‌گردد. برای سنجش محاسبه از رابطه‌ی عددی  $\frac{V_i - V_{min}}{V_{min} - V_{min}} \times 10$  که در آن  $v_i$  مقدار متغیر برای کشور  $i$ ،  $v_{max}$  بالاترین مقدار متغیر در بین کشورها،  $v_{min}$  کمترین مقدار در بین کشورها می‌باشد (Abdollahi, 2009:126). عدد به دست آمده نشان‌دهنده‌ی میزان جهانی شدن اجتماعی با توجه به موضوع این مقاله و تأثیر آن بر روند توسعه‌ی اجتماعی دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد می‌باشد.

<sup>1</sup> data on personal contact

<sup>2</sup> data on information flows

<sup>3</sup> data on cultural proximity

<sup>4</sup> telephon traffic

<sup>5</sup> tranfers (percent of gdp)

<sup>6</sup> international tourism

<sup>7</sup> foreign population (percent of total population)

<sup>8</sup> international letters (per capita)

<sup>9</sup> internet users (per 1000 people)

<sup>10</sup> television (per 1000 people)

<sup>11</sup> trade in newspapers (percent of gdp)

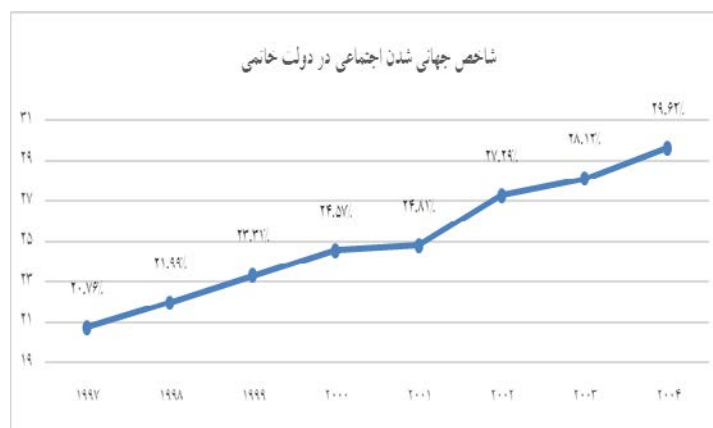
<sup>12</sup> number of mcdonald's restaurants (per capital)

<sup>13</sup> trade in books (percent of gdp)



### وضعیت جهانی شدن اجتماعی در دولت خاتمی

ابتدا به بررسی وضعیت جهانی شدن اجتماعی و سپس زیر شاخص‌های آن یعنی تعامل و ارتباط فردی، گردش اطلاعات و مجاورت فرهنگی در دولت خاتمی می‌پردازیم: شاخص جهانی شدن اجتماعی در دولت خاتمی در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶)؛ ۲۰/۷۶، در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷)؛ ۲۱/۹۹، در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸)؛ ۲۳/۳۱، در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹)؛ ۲۴/۵۷، در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰)؛ ۲۴/۸۱، در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱)؛ ۲۷/۲۹، در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲)؛ ۲۸/۱۲ و در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)؛ ۲۹/۶۲ درصد بوده است. شاخص جهانی شدن اجتماعی در دولت خاتمی از سال ۱۳۷۶ تا پایان سال ۱۳۸۳، ۸/۸۶ درصد در مدت ۸ سال روند رشد صعودی را داشته است (نمودار ۱).



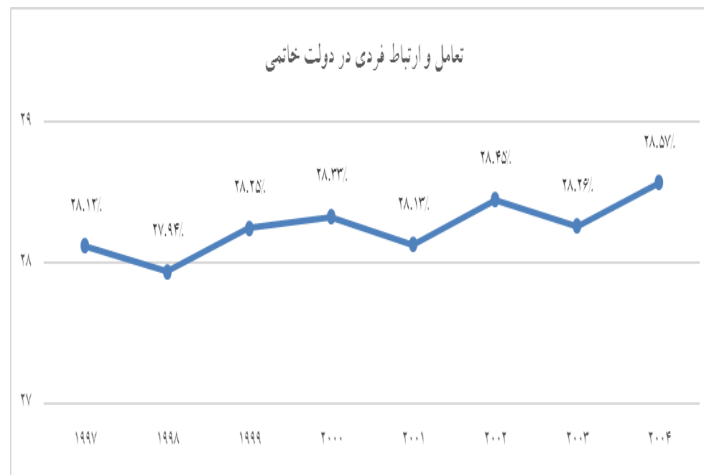
نمودار ۱: وضعیت جهانی شدن اجتماعی در دولت خاتمی

**Figure 1:** The Situation of Social Globalization in Khatami's Government ([www.Globalization.ethz.ch](http://www.Globalization.ethz.ch))

#### ۱- تعامل و ارتباط فردی در دولت خاتمی

تعامل و ارتباط فردی یکی از زیرشاخص‌های جهانی شدن اجتماعی است. این زیر شاخص در دولت خاتمی در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶)؛ ۲۸/۱۲، در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷)؛ ۲۷/۹۴، در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸)؛ ۲۸/۲۵، در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹)؛ ۲۸/۳۳، در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰)؛ ۲۸/۱۳، در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱)؛ ۲۸/۴۵، در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲)؛ ۲۸/۲۶ و در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)؛ ۲۸/۵۷ درصد بوده است. درصدها نشان می‌دهد که زیر شاخص تعامل و

ارتباط فردی در دولت خاتمی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۷۷، ۱۸٪ روند رشد نزولی را داشته است، از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۷۹، ۳۸٪ روند رشد صعودی را طی کرده و در سال ۱۳۸۰، ۱۹٪ درصد روند رشد نزولی تجربه کرده و نوسان داشته است و دوباره در سال ۱۳۸۱، ۳۲٪ درصد رشد صعودی داشته است ولی در سال ۱۳۸۲، از ۱۹٪ روند رشد نزولی پیدا کرده و دوباره در سال ۱۳۸۳، ۳۱٪ درصد روند رشد صعودی داشته است. درصدها نشان می‌دهد زیر شاخص تعامل و ارتباط فردی دولت خاتمی روند رشد نزولی و صعودی را به شکل متناوب داشته است، با در نظر گرفتن این نوسان زیر شاخص تعامل و ارتباط فردی در دولت خاتمی ۷۱٪ رشد داشته است (نمودار ۲).



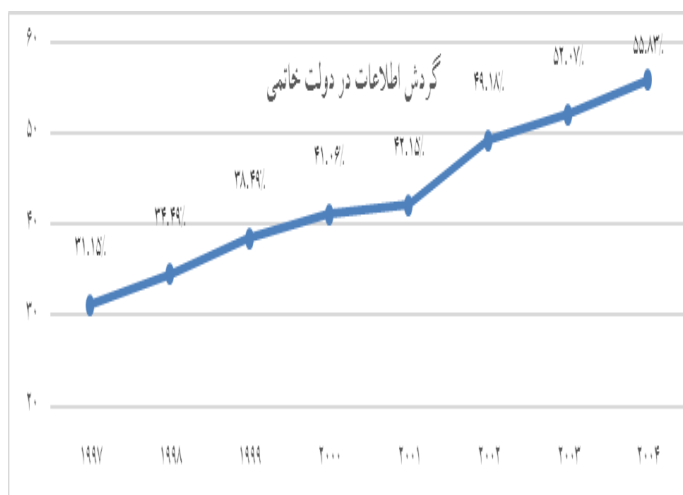
نمودار ۲: تعامل و ارتباط فردی در دولت خاتمی

Figure 2: Interaction and Personal Communication in Khatami's Government (www.Globalization.ethz.ch)

## ۲- گردش اطلاعات در دولت خاتمی

دومین زیر شاخص جهانی شدن اجتماعی گردش اطلاعات است که در دولت خاتمی در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶)؛ ۳۱/۱۵، در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷)؛ ۳۴/۴۹، در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸)؛ ۳۸/۴۹، در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹)؛ ۴۱/۰۶، در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰)؛ ۴۲/۱۵، در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱)؛ ۴۹/۱۸، در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲)؛ ۵۲/۰۷ و در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)؛ ۵۵/۸۳ درصد بوده است. درصدها نشان می‌دهد که زیر شاخص گردش اطلاعات در مدت ۸ سال

در دولت خاتمی روند رشد صعودی چشمگیر ۲۴/۷۸ درصدی را داشته است (نمودار ۳).



نمودار ۳: گردش اطلاعات در دولت خاتمی

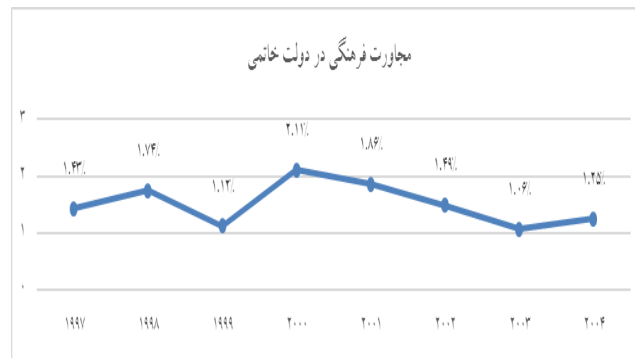
Figure 3: Information Flow in Khatami's Government  
(www.Globalization.ethz.ch)

### ۳- مجاورت فرهنگی در دولت خاتمی

مجاورت فرهنگی آخرین زیر شاخص جهانی شدن اجتماعی است که در دولت خاتمی در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶)؛ ۱/۴۳، در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷)؛ ۱/۷۴، در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸)؛ ۱/۱۲، در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹)؛ ۲/۱۱، در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰)؛ ۱/۸۶، در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱)؛ ۱/۴۹، در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲)؛ ۱/۰۶ و در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)؛ ۱/۲۵ درصد بوده است. درصدها نشان می‌دهد آمار مربوط به رشد مجاورت فرهنگی در دولت خاتمی در سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ روند رشد صعودی ۳۱٪ درصدی داشته است. ولی در سال ۱۳۷۸ روند رشد نزولی ۶۲٪ درصدی را داشته است و در سال ۱۳۷۹ به شکل چشمگیر رشد صعودی ۹۹٪ را داشته است. و تا پایان سال ۱۳۸۲ از روند رشد نزولی ۱/۰۵ درصدی برخوردار بوده است. دوباره در سال ۱۳۸۳، ۱۹٪ رشد صعودی داشته است.

با در نظر گرفتن این مقدار از نوسان اگر سال اول دولت خاتمی را با درصد ۱/۴۳ در سال ۱۳۸۳ و درصد ۱/۲۵ مقایسه نماییم، این زیر شاخص از روند رشد نزولی ۱۸٪ برخوردار بوده است و درصدها نشان می‌دهد که شاخص مجاورت فرهنگی در دولت خاتمی

در مدت ۸ سال از نوسان برخوردار بوده است (نمودار ۴).



نمودار ۴: مجاورت فرهنگی در دولت خاتمی

**Figure 4: Cultural Proximity in Khatami's Government**  
 (www.Globalization.ethz.ch)

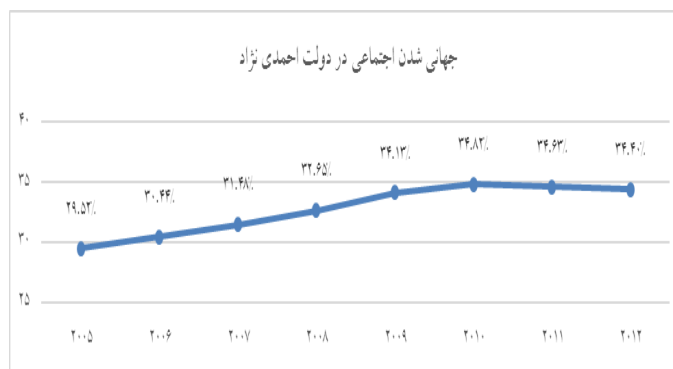
#### شاخص‌های جهانی شدن اجتماعی در دولت احمدی‌نژاد

شاخص جهانی شدن اجتماعی در دولت احمدی‌نژاد سال‌های ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)، ۲۰۰۶ (۱۳۸۵)، ۲۰۰۷ (۱۳۸۶)، ۲۰۰۸ (۱۳۸۷)، ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)، ۲۰۱۰ (۱۳۸۹)، ۲۰۱۱ (۱۳۹۰)، ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) را در بر می‌گیرد. در دولت احمدی‌نژاد نیز مانند دولت خاتمی ابتدا به بررسی آماری شاخص جهانی شدن اجتماعی و سپس زیر شاخص‌های تعامل و ارتباط فردی، گردش اطلاعات و مجاورت فرهنگی می‌پردازیم.

#### وضعیت جهانی شدن اجتماعی در دولت احمدی‌نژاد

شاخص جهانی شدن اجتماعی در دولت احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)؛ ۲۹/۵۲، در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵)؛ ۳۰/۴۴، در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶)؛ ۳۱/۴۸، در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷)؛ ۳۲/۶۵، در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)؛ ۳۴/۱۳، در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹)؛ ۳۴/۸۲، در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰)؛ ۳۴/۶۳ و در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱)؛ ۳۴/۴۰ درصد بوده است. درصدها نشان می‌دهد که شاخص جهانی شدن اجتماعی در دولت احمدی‌نژاد از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۹، ۱۳۸۹، ۵/۳۰ درصد روند رشد صعودی را داشته است. از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۱، ۴۲٪ روند رشد نزولی را طی کرده است. درصدها نشان می‌دهد این شاخص در دولت

احمدی‌نژاد از نوسان برخوردار بوده است (نمودار ۵).

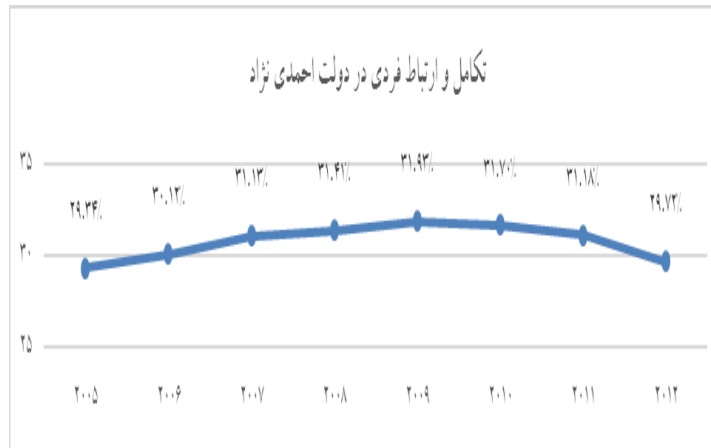


نمودار ۵: وضعیت جهانی شدن اجتماعی در دولت احمدی‌نژاد

Figure 5: The situation of Social Globalization in Ahmadinejad's Government ([www.Globalization.ethz.ch](http://www.Globalization.ethz.ch))

#### ۱- تعامل و ارتباط فردی در دولت احمدی‌نژاد

تعامل و ارتباط فردی به‌عنوان اولین زیر شاخص جهانی شدن اجتماعی در دولت احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)؛ ۲۹/۳۴، در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵)؛ ۳۰/۱۲، در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶)؛ ۳۱/۱۳، در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷)؛ ۳۱/۴۱، در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)؛ ۳۱/۹۳، در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹)؛ ۳۱/۷۰، در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰)؛ ۳۱/۱۸ و در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱)؛ ۲۹/۷۲ درصد بوده است. درصدها نشان می‌دهد زیر شاخص تعامل و ارتباط فردی در دولت احمدی‌نژاد از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۸، ۲/۵۹ درصد روند رشد صعودی را طی کرده است و از سال ۱۳۸۹ تا پایان سال ۱۳۹۱، ۲/۲۱ درصد روند رشد نزولی را طی کرده است. درصدها نشان می‌دهد این زیر شاخص از نوسان برخوردار بوده است (نمودار ۶).

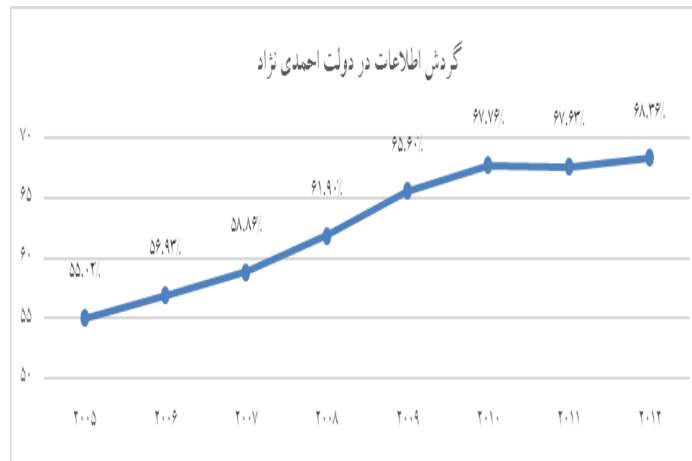


نمودار ۶: تعامل و ارتباط فردی در دولت احمدی نژاد

Figure 6: Interaction and Personal Communication In Ahmadinejad's Government (www.Globalization.ethz.ch)

## ۲- گردش اطلاعات در دولت احمدی نژاد

گردش اطلاعات به عنوان دومین زیر شاخص جهانی شدن اجتماعی در دولت احمدی نژاد در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)؛ ۵۵/۰۲، در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵)؛ ۵۶/۹۳، در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶)؛ ۵۸/۸۶، در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷)؛ ۶۱/۹۰، در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)؛ ۶۵/۶۰، در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹)؛ ۶۷/۷۶، در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰)؛ ۶۷/۶۳ و در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱)؛ ۶۸/۳۶ درصد بوده است. درصدها نشان می دهد زیر شاخص گردش اطلاعات از سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۸۹، ۱۲/۷۴ درصد روند رشد صعودی را داشته است. اما در سال ۱۳۹۰، ۱۳٪ روند رشد نزولی را داشته است و در سال ۱۳۹۱ رشد صعودی ۷۳٪ را طی کرده است. با در نظر داشتن نوسان این زیر شاخص در مدت ۸ سال در دولت احمدی نژاد ۱۳/۴۷ درصد روند رشد صعودی را داشته است (نمودار ۷).

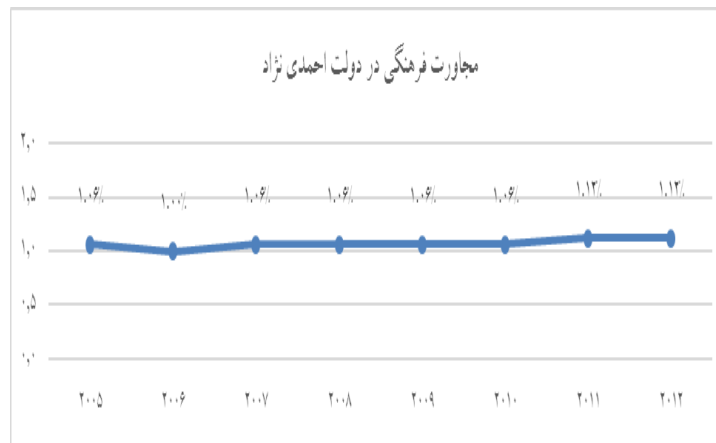


نمودار ۷: گردش اطلاعات در دولت احمدی‌نژاد

**Figure 7: Circulation of Information in Ahmadinejad's Government**  
(www.Globalization.ethz.ch)

### ۳- مجاورت فرهنگی در دولت احمدی‌نژاد

مجاورت فرهنگی به‌عنوان سومین زیر شاخص جهانی‌شدن اجتماعی در دولت احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)؛ ۱/۰۶، در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵)؛ ۱/۰۰، در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶)؛ ۱/۰۶، در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷)؛ ۱/۰۶، در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)؛ ۱/۰۶، در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹)؛ ۱/۰۶، در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰)؛ ۱/۱۲ و در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) نیز ۱/۱۲ بوده است. درصدها نشان می‌دهد زیر شاخص مجاورت فرهنگی در این دولت از سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۸۵، ۶٪ رشد نزولی را داشته است و دوباره در سال ۱۳۸۶، ۶٪ رشد صعودی را طی کرده است و تا پایان سال ۱۳۸۹ عدد و رقم ثابت باقی مانده است. در سال ۱۳۹۰، ۶٪ روند رشد صعودی را طی کرده است و در سال ۱۳۹۱ این رقم ثابت باقیمانده است. اگر سال ۱۳۸۴ را با سال ۱۳۹۱ مقایسه کنیم این زیر شاخص ۶٪ درصد روند رشد صعودی را داشته است. درصدها نشان می‌دهد این زیر شاخص از تغییر و تحول چشمگیر در مدت ۸ سال برخوردار نبوده است (نمودار ۸).



نمودار ۸: مجاورت فرهنگی در دولت احمدی‌نژاد

**Figure 8: Cultural Proximity in Ahmadinejad's Government**  
(www.Globalization.ethz.ch)

### بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های جهانی‌شدن اجتماعی در دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد

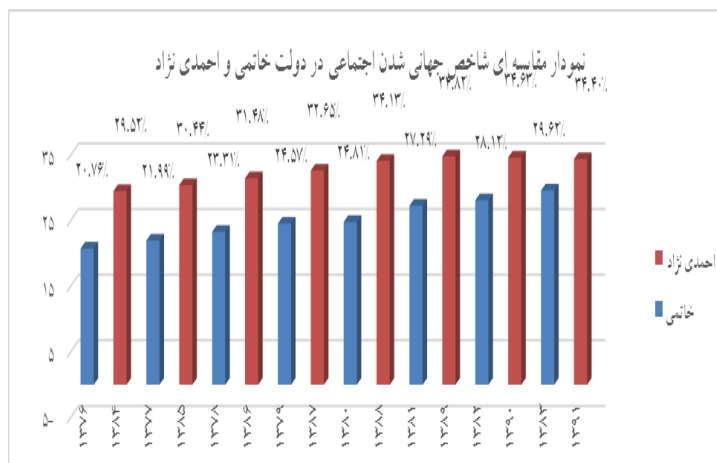
شاخص‌های جهانی‌شدن اجتماعی در دولت خاتمی سال‌های ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) تا سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) و در دولت احمدی‌نژاد سال‌های ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) تا سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) را در بر می‌گیرد. برای مقایسه‌ی سالانه‌ی دو دولت از نظر آمار کمی می‌توانیم سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) خاتمی را در برابر سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) احمدی‌نژاد، سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) خاتمی را در برابر سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶)، سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) خاتمی را در برابر سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) احمدی‌نژاد، سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) خاتمی را در برابر سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) احمدی‌نژاد، سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) خاتمی را در برابر سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) احمدی‌نژاد، سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) خاتمی را در برابر سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) احمدی‌نژاد، سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) خاتمی را در برابر سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) قرار دهیم و شاخص‌ها را با هم مقایسه‌ی نماییم.

### مقایسه جهانی‌شدن اجتماعی در دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد

شاخص جهانی‌شدن اجتماعی در دولت خاتمی از سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) تا پایان سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) در مدت ۸ سال روند رشد صعودی ۸/۸۶ درصدی را داشته است. این



شاخص در دولت احمدی‌نژاد از سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) تا سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) ۵/۳۰ درصد رشد صعودی داشته است ولی تا پایان سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) ۴۲٪ درصد روند رشد نزولی را داشته است. بنابراین روند رشد این شاخص در دولت احمدی‌نژاد نسبت به دولت خاتمی از نوسان برخوردار بوده است (نمودار ۹).

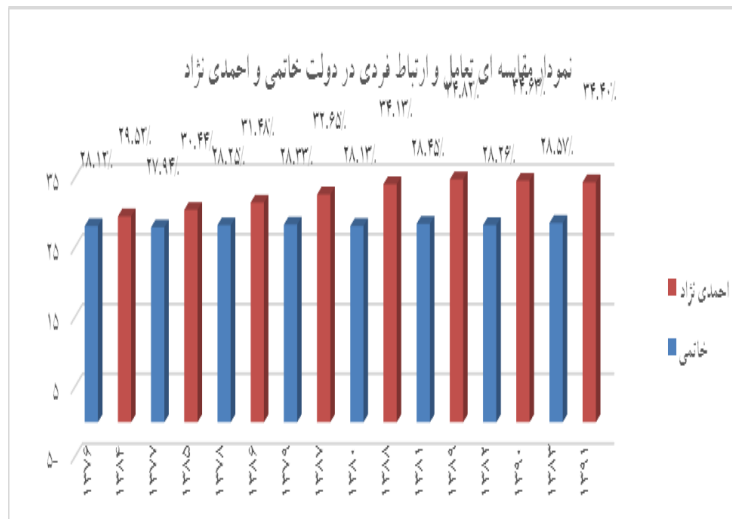


نمودار ۹: مقایسه جهانی شدن اجتماعی در دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد

**Figure 9:** Comparison Of Social Globalization in the Two Governments of Khatami and Ahmadinejad ([www.Globalization.ethz.ch](http://www.Globalization.ethz.ch))

#### مقایسه تعامل و ارتباط فردی در دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد

زیر شاخص تعامل و ارتباط فردی در دولت خاتمی در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) از ۲۸/۱۲ درصد به ۲۸/۵۷ درصد در پایان سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) رسیده است. میزان رشد این زیر شاخص در دولت خاتمی به شکل متناوب بوده و در مدت ۸ سال از رشد صعودی ۷۱٪ درصدی برخوردار بوده است. این زیر شاخص در دولت احمدی‌نژاد، در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) تا پایان سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)، ۲/۵۹ درصد رشد صعودی داشته است و تا پایان سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱)، ۲/۲۱ درصد نزولی داشته است (نمودار ۱۰).

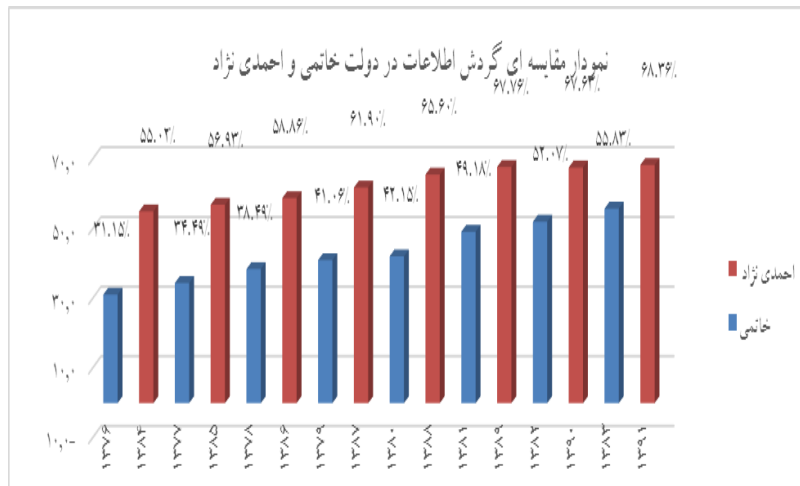


نمودار ۱۰: مقایسه تعامل و ارتباط فردی در دو دولت خاتمی و احمدی نژاد

**Figure 10:** Comparison of Personal Interaction and Relationship in Khatami and Ahmadinejad Governments ([www.Globalization.ethz.ch](http://www.Globalization.ethz.ch))

#### مقایسه گردش اطلاعات در دو دولت خاتمی و احمدی نژاد

زیر شاخص گردش اطلاعات در دولت خاتمی در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) از ۳۱/۱۵ درصد به ۵۵/۸۳ درصد در پایان سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) رسیده است. این زیر شاخص در مدت ۸ سال در دولت خاتمی ۲۴/۷۸ درصد رشد صعودی داشته است. این زیر شاخص در دولت احمدی نژاد در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) از ۵۵/۰۲ درصد به ۶۸/۳۶ درصد در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) رسیده است. این زیر شاخص در دولت احمدی نژاد در مدت ۸ سال ۱۳/۴۷ درصد رشد صعودی را داشته است. به عبارتی روند رشد نسبت به دولت خاتمی ملایم تر و آهسته تر بوده است (نمودار ۱۱).



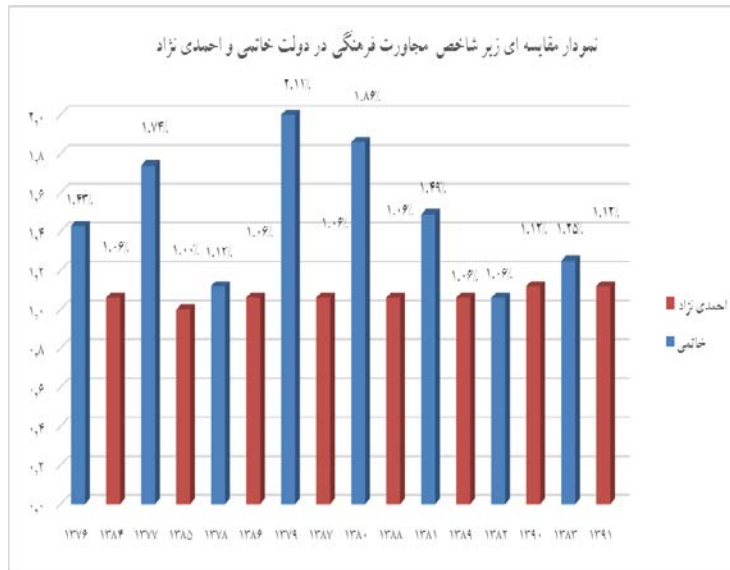
نمودار ۱۱: مقایسه گردش اطلاعات در دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد

**Figure 11:** Comparison of information flow in Khatami and Ahmadinejad governments ([www.Globalization.ethz.ch](http://www.Globalization.ethz.ch))

### مقایسه مجاورت فرهنگی در دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد

زیر شاخص مجاورت فرهنگی در دولت خاتمی در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) از ۱/۴۳ به ۱/۷۴ درصد در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) رسیده است. یعنی ۳۱٪ روند رشد صعودی را طی کرده است. اما تا پایان سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸)؛ ۶۲٪ درصد روند رشد نزولی را طی کرده است. دوباره تا سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹)؛ ۹۹٪ روند رشد صعودی را طی کرده است. همان‌گونه که نمودار ۱۲ نشان می‌دهد این زیر شاخص دوباره تا ۲۰۰۳ (۱۳۸۲)؛ ۱/۰۵ درصد روند رشد نزولی را طی کرده است. در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)؛ ۱۹٪ درصد روند رشد صعودی را طی کرده است. روند رشد این زیر شاخص در دولت احمدی‌نژاد از سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) تا پایان سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵)؛ ۶٪ روند رشد نزولی را داشته است. یعنی در مقایسه با سال اول دولت خاتمی رشد نزولی را تجربه کرده است. در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶)؛ ۶٪ درصد روند رشد صعودی را طی کرده است. اما تا پایان سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) همچنان این عدد و رقم ثابت باقیمانده است و در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰)؛ ۶٪ درصد به روند رشد آن افزوده شده است و تا پایان سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) همچنان روند رشد ثابت باقیمانده است. در نهایت آنکه این زیر شاخص در دولت احمدی‌نژاد در مدت ۸ سال ۱۲٪ رشد صعودی داشته است. وضعیت زیر شاخص مجاورت فرهنگی از نظر روند رشد در دولت خاتمی بالاتر از دولت احمدی‌نژاد بوده

است (نمودار ۱۲).



نمودار ۱۲: مقایسه مجاورت فرهنگی در دو دولت خاتمی و احمدی نژاد

**Figure 12:** Comparison of cultural proximity in Khatami and Ahmadinejad governments ([www.Globalization.ethz.ch](http://www.Globalization.ethz.ch))

### تبیین تحلیل عملکرد دو دولت خاتمی و احمدی نژاد همگام با روند جهانی شدن اجتماعی با تأکید بر وجوه تشابه و تمایز

این مقاله با رویکرد مقایسه‌ای به بررسی عملکرد دو دولت نسبت به روند جهانی شدن با تأکید بر وجوه تشابه و تمایز پیش رفت. از نظر وجوه تشابه هر دو دولت با توجه به آمارها نسبت به روند جهانی شدن از رشد برخوردار بوده‌اند و در عین حال هر دو دولت در مواردی روند رشد متناوب را تجربه کرده‌اند (نمودار ۲ و ۴ در دولت خاتمی و نمودار ۵ و ۶ در دولت احمدی نژاد). با وجود آمارها و درصدهای متفاوت هر دو دولت نسبت به روند جهانی شدن اجتماعی با زیر شاخص‌های پیش از روند رشد برخوردار بوده‌اند و این تمایل به جهانی شدن را در هر دو دولت با توجه به آمارها نشان می‌دهد، مخصوصاً از وقتی که احمدی نژاد در دور دوم دولت خود به سمت جهانی شدن کشیده شد و در این راستا نسبت

به این روند منعطف‌تر شد. آمارها و درصدها نشان می‌دهد نوع دولت با روند جهانی شدن مرتبط است. با وجود افتراق بسیار مابین دو دولت هر دو نسبت به متغیر جهانی شدن اجتماعی همراه با زیر شاخص‌های رشد و یا حتی نوسان را در بعضی از زیر شاخص‌ها تجربه کرده‌اند و روند رشد در دولت احمدی‌نژاد آهسته‌تر است. از دیگر نقاط تشابه می‌توان به روند رو به رشد صعودی هر دو دولت نسبت به زیر شاخص گردش اطلاعات اشاره کرد که بدون هیچ نوسانی هر دو به سمت رشد حرکت کرده‌اند که میزان رشد در پنج سال اول در هر دو دولت ملایم بوده و بعد از آن سرعت رشد در هر دو دولت فزونی بیشتری یافته است، با این تفاوت که این رشد فزونی در دولت خاتمی چشمگیرتر بوده است (نمودار ۲ و ۷). این تفاوت می‌تواند ناشی از عملکرد دو دولت در محیط داخلی و بین‌المللی و شرایط حاکم بر فضای سیاسی - اجتماعی دولت‌ها باشد.

از نظر وجوه تمایز روند رشد شاخص جهانی شدن به همراه زیر شاخص‌های در هر دو دولت متفاوت از یکدیگر است و سرعت روند رشد صعودی در دولت خاتمی نسبت به دولت احمدی‌نژاد بالاتر است. به‌عنوان مثال رشد شاخص جهانی شدن اجتماعی در دولت خاتمی صعودی بوده اما رشد در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ در دولت احمدی‌نژاد با اندکی نوسان مواجه گشته است. مهم آن است که این درصد رشد سقوط نکرده است و یا به پایین‌تر از سطح دولت قبل از خود نرسیده است، فقط روند رشد آهسته‌تر بوده است (نمودار ۱ و ۵). وجه تمایز دیگر آن که دولت خاتمی در زیر شاخص تعامل و ارتباط فردی نسبت به دولت احمدی‌نژاد نوسان بیشتری را تجربه کرده است، اما دولت احمدی‌نژاد در دو سال آخر با اندکی نوسان مواجه بوده است (نمودار ۲ و ۶). در زیر شاخص مجاورت فرهنگی نیز دولت خاتمی نوسان بیشتری را داشته است و این در حالی است که دولت احمدی‌نژاد در سال دوم دولت خود رشد نزولی را تجربه کرده است و بعد از آن رشد ۶٪ صعودی را تجربه کرده و در سال هفتم دولت خود، ۶٪ دیگر رشد صعودی داشته است. تفاوت دیگر در این زیر شاخص آن که دولت خاتمی در سال هشتم نسبت به سال اول دولت خود افت درصدی داشته است. اما این درصد پایین‌تر در سال هشتم نسبت به سال اول در دولت احمدی‌نژاد اتفاق نیفتاده است (نمودار ۴ و ۸).

بررسی جهانی شدن اجتماعی و زیر شاخص‌های نشان داد هر دو دولت با توجه به آمارهای معتبر جهانی از روند رشد برخوردار بوده‌اند، با این تفاوت که خاتمی نسبت به توسعه اجتماعی همگام با رفرم و اصلاحات جهانی شدن پیش رفت و احمدی‌نژاد با تأکید بر اندیشه‌های بومی و محلی نسبت به توسعه اجتماعی گام برداشت. مقایسه نشان

می‌دهد تفاوت در جهانی‌شدن اجتماعی می‌تواند تابع رویکردها و عملکرد دولت‌ها در محیط داخلی و بین‌المللی باشد. مثلاً خاتمی با نگرشی جهان‌گرایانه عرصه‌ی بین‌المللی را در اختیار گرفت و تز گفت و گوی تمدن‌ها را در سیاست بین‌الملل مطرح کرد و در این رقابت‌پذیری با تعامل بیشتری پیش رفت. تلاش خاتمی در جهت توسعه‌ی اجتماعی بیش از اینکه درون‌زا باشد، برون‌زا بود. این در حالی است که احمدی‌نژاد با تأکید بر اندیشه‌های بومی در دور اول دولت خود به توسعه‌ی اجتماعی بدون رویکرد جهانی‌شدن در محیط درون پرداخت و تلاش‌های بسیاری را در جهت توسعه‌ی اجتماعی، فقر، بیکاری و آسیب‌های اجتماعی نمود، مقایسه نشان می‌دهد تلاش احمدی‌نژاد نسبت به دولت خاتمی بیش از آنکه برون‌زا باشد رنگ درون‌زایی به خود گرفت و در رقابت‌پذیری کمتری نسبت به روند جهانی‌شدن قرار گرفت به این ترتیب شاخص‌های جهانی‌شدن در طول مدت ۸ سال در این دولت از روند رشد ملایم‌تر و آهسته‌تری برخوردار بوده است. نکته‌ی مهم آن است که این آمارها و درصدها به نسبت پایین‌تر از آمارها و درصدهای دولت قبل از خود کشیده نشده است و روند رو به رشد خود را داشته است. آمارهای متفاوت دولت‌ها می‌تواند علاوه بر اهمیت محیط درون و برون نسبت به روند جهانی‌شدن نشان می‌دهد دولت‌ها با وجود تفاوت در رویکردهایشان نسبت به محیط درون و برون نمی‌توانند بی‌ارتباط با روند جهانی‌شدن باشند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های مقایسه‌ای است که به بررسی تأثیر روند جهانی‌شدن بر توسعه‌ی اجتماعی به‌عنوان مفاهیمی اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی برای مقایسه‌ی نظام‌های سیاسی ایران در قالب دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد با ساختار مطلوب برآمده است. بررسی مقایسه‌ای مبحث جهانی‌شدن و توسعه در این مقاله نشان داد بین توسعه و جهانی‌شدن ارتباط معناداری وجود دارد چرا که مابین محیط درون و برون یک کشور نمی‌توان دیوار بی‌ارتباطی کشید. با بررسی عملکرد دو دولت در یک کشور به این نتیجه رسیدیم که عملکرد دولت‌ها در زمینه‌ی جهانی‌شدن می‌تواند متفاوت از یکدیگر باشد. علاوه بر مقایسه‌ی کشورها نسبت به روند جهانی‌شدن می‌توان به مقایسه‌ی دولت‌ها در درون کشورها با توجه به رویکردهای متفاوتشان نسبت به روند جهانی‌شدن پرداخت. بررسی مقایسه‌ای نشان داد شاخص جهانی‌شدن اجتماعی در دولت خاتمی در طول ۸ سال ۸/۸۶ و در دولت احمدی‌نژاد در طول ۸ سال از ۴/۸۹ درصد رشد برخوردار بوده است. این

تفاوت عملکرد دولت‌ها می‌تواند بر اهمیت ساختار محیط درون و رویکرد متفاوت دولت‌ها نسبت به روند جهانی شدن بیفزاید. رشد جهانی شدن اجتماعی ما را به فرضیه‌ی مقاله مبنی بر رشد توسعه‌ی اجتماعی در هر دو دولت رهنمون می‌سازد با این تفاوت که توسعه‌ی اجتماعی در دولت خاتمی مبنی بر رفم و اصلاحات جهانی و در دولت احمدی‌نژاد مبنی بر اندیشه‌های بومی و محلی بوده است و هر دو دولت به‌عنوان متغیر وابسته در میزان جهانی شدن اجتماعی به همراه زیر شاخص‌هایش با آمارها و درصدهای متفاوت تأثیرپذیر بوده‌اند. مقایسه نشان داد جهانی شدن اجتماعی از یک دولت به دولت دیگر متفاوت است. میزان جهانی شدن اجتماعی می‌تواند متأثر از محیط درون و برونی باشد که دولت‌ها به‌عنوان ایفاگران نقش اصلی و مهمی را در این رابطه داشته‌اند. مثلاً دولت خاتمی همگرایی بیشتری با روند جهانی شدن داشته است و این بر رشد به نسبت بالاتر جهانی شدن اجتماعی و زیرشاخص‌هایش در دولت خاتمی تأثیرگذار بوده است. این مطالعه موردی نسبت به ایران و مقایسه دو دولت نسبت به رویکرد جهانی شدن نشان داد هر چند روند جهانی شدن بر تعامل و ارتباط محیط‌های درونی و بیرونی کشورها تأکید می‌کند اما خیلی از مواقع این درون فقط وابسته به دولت نیست بلکه خیلی از مواقع می‌تواند نشأت گرفته از فرم، شکل، فضاها، مختلف، جغرافیای نابرابر و دیگر موارد باشد. جهانی شدن علاوه بر رویکرد دولت‌ها می‌تواند تابعی از دامنه‌ی وسیع محیط درونی یک جامعه باشد، الگوی تعمیم توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی نشان داد هر کشوری با توجه به شرایط و اقتضات سیاسی و اجتماعی خود مسیری را نسبت به توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی انتخاب و طی می‌کند. این همان محیط درون است که بر آن تأکید می‌کنیم و از یک کشور به کشور دیگر متفاوت بوده و حتی بر رویکرد دولت‌ها نسبت به توسعه می‌تواند تأثیرگذار باشد، مهم آن است که همیشه توسعه حرکت به سمت جلو بوده است. مثلاً خاتمی نسبت به توسعه‌ی اجتماعی با رویکرد رفم و اصلاحات جهانی پیش رفت و احمدی‌نژاد با توجه به اندیشه‌های بومی و محلی نسبت به توسعه‌ی اجتماعی اقدام کرد. با توجه به این رویکرد نرخ رشد آمارها در دولت خاتمی نسبت به شاخص‌ها و بسیاری از زیرشاخص‌ها بالاتر از دولت احمدی‌نژاد است و این مقاله با این مقایسه و در نظر گرفتن تفاوت رویکردها بر "ماهیت دولت در جمهوری اسلامی" تأکید می‌کند چرا که دولت‌ها در جمهوری اسلامی چه اصول‌گرا و چه اصلاح‌طلب در مسیری گام برمی‌دارند که به‌طور طبیعی با شاخص‌های جهانی شدن هم‌سو و هم‌گام می‌شوند. دولت در جمهوری اسلامی ایران چه جهانی شدن را بپذیرد یا نپذیرد، با توجه به ذات خود در مسیر توسعه قرار

می‌گیرد. از طرفی از آنجا که احمدی‌نژاد در مسیر توسعه‌ای خود بر تلاش‌های بومی و ملی تأکید بیشتری می‌ورزید آمارهای جهانی‌شدن اجتماعی از روند رشد ملایم‌تری برخوردار بوده است، مهم آن است که این روند رشد سقوط نکرده است و روند آماری آن آهسته و پیوسته پیش رفته است. بررسی روند جهانی‌شدن در دو دولت نشان داد: این روند به رشد و گسترش توسعه‌ی اجتماعی کمک کرده و بستری را برای ادامه‌ی آن به شکلی تقریباً متفاوت از دیگر کشورها در ایران فراهم کرده است. مهم آن است که برخوردی آگاهانه با این روند نوین صورت گیرد تا بتوان از نقاط قوت آن بهره‌مند شد و نقاط ضعف آن را به راحتی پس زد.

### یادداشت‌ها

۱- در این پژوهش بررسی دو معدود به نام دو دولت در یک کشور در یک نمونه‌ی وسیع از واحدها به نام جهانی‌شدن با بعد اجتماعی آن توصیف، مورد بررسی مقایسه‌ای و علی با تأکید بر وجوه تشابه و تمایز، فرضیه‌آزمایی و حتی پیش‌بینی با توجه به رویکرد مقاله قرار گرفتند.

۲- روش *A.T.Kearney* در اوایل سال ۲۰۰۱ توسط نشریه‌ی مشهور "سیاست خارجی" و "دفتر مشاوره‌ی بین‌المللی" با توجه به مؤلفه‌های چند بعدی جهانی‌شدن، شاخص‌های ترکیبی از این فرآیند را تعریف نموده و بر اساس آن به رتبه‌بندی کشورهای جهان نسبت به روند جهانی‌شدن پرداخته است. شاخص ماستریخت نیز به بررسی ابعاد سیاسی، نظامی، اجتماعی، ارتباطاتی و زیست‌محیطی جهانی‌شدن پرداخته است (Dreher, 2008).

۳- شاخص‌های ای. تی. کرنی در سایت [Http:// www.Atkearney.com/shared-es/Pdf/Globalization-Index](http://www.Atkearney.com/shared-es/Pdf/Globalization-Index) قابل دسترس برای علاقمندان به مطالعات جهانی می‌باشد.

۴- شاخص‌های ماستریخت در سایت [Http://www.Maastricht Globalization Index](http://www.Maastricht Globalization Index) برای علاقمندان به مطالعات جهانی موجود است.

۵- انتخابات ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد در سوم خرداد ۱۳۷۶ و دوم تیر ۱۳۸۴ انجام شد. تشکیل کابینه‌ی هر دو دولت تقریباً دو ماه طول کشید. هر چند با شروع کار هر دو دولت چند ماه از سال ۱۳۷۶ و یا سال ۱۳۸۴ گذشته است. مهم آن است که این سال‌ها در سبد زمانی این دو دولت قرار می‌گیرد و گفتمان اصلاحات و عدالت‌محور



دقیقاً از همین تاریخ شکل گرفت. از طرفی آمار جهانی شدن نیز در پایان هر سال ارائه می‌گردد و این آمار ارائه شده در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ مرتبط با دو دولت خاتمی و احمدی‌نژاد بوده و نقطه‌ی شروع مبنای مقایسه در دو دولت سال‌های ۱۳۷۶ برابر با ۱۹۹۷ و ۱۳۸۴ برابر با ۲۰۰۵ میلادی در نظر گرفته شده است.

۶- همان‌گونه که گفتیم شاخص جهانی شدن کف بررسی آماری خود را نسبت به سه بعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سنجیده است. از آنجا که این مقاله مستخرج از تز دکتری دانشجویی باشد و موضوع آن فقط دو بعد سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. در این مقاله به بررسی بعد اجتماعی آن پرداخته شده و در مقاله‌ی دیگری به بررسی بعد سیاسی آن پرداخته شده است.

۷- همان‌گونه که در متن گفتیم شاخص جهانی شدن کف، هر کدام از زیر شاخص‌های تعامل و ارتباط فردی، گردش اطلاعات و مجاورت فرهنگی را با متغیرهای خاص خود مورد سنجش و بررسی قرار داده است که در متن ۱۲ متغیر را نام بردیم. از آنجا که درصدهای نهایی با استفاده از آنها در زیرشاخص‌ها به شکل مرتب آمده بود و از آنجا که آمارهای مربوط به زیرشاخص‌ها خود با استفاده از ریز متغیرهای مربوط به هر کدامشان به دست آمده است، بررسی آماری سه زیر شاخص اصلی نسبت به موضوع پژوهشی کافی بوده و از طرفی پرداختن به ریز متغیرها با استفاده از نمودارهایشان، تعداد صفحات مقاله را بیش از حد استاندارد می‌کند، به این دلیل به پرداختن جهانی شدن اجتماعی به همراه زیر شاخص‌هایش اکتفا نموده و بررسی را به منصفه‌ی ظهور رساندیم. باشد که مفید فایده افتد.

### **Reference:**

Abdullahi, A. (2009). "Iran's Position in the Globalization Process", Political-Economic Information Periodical, Tehran: Etelaat Publisher. (Persian).

Akhavan Zanjani, D. (2007). Globalization and Foreign Policy, Tehran: Agah Publisher. (Persian).

Ameli, S. R. (2011). Globalization Studies, Dual Spaces and Dual worlds, Tehran: Samt Publisher. (Persian).

Aminzadeh, M. (2005). "Political Development", Tehran: Political-Economic Information Journal, issue 117-118. (Persian).

Bashiriyeh, H. (2001). Democracy Lessons for All. Tehran: Negah Moaser Publisher. (Persian).

Clark, William C. (2000). Environmental Globalization, in: Joseph S. Nye and John D. Donahue (eds).

Dreher A. (2008). Noel Gaston and pim Martens: Measuring Globalization-Gauging is consequence, New York.

Farhang, M. (1992). Great Culture of Economic Sciences, Tehran: Alborz Publisher. (Persian).

Firouzabadi, A.; Hosseini, R., Qasemi, R. (2010). "Study of Indicators and Social Development Rank in the Country Provinces and its Relationship with Social Capital", Scientific-Research Periodical of Social Welfare, 10<sup>th</sup> Year, No. 37. (Persian).

Giddens, A. (1999). Politics, Sociology and Social Theory, Translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney Publisher.

Giddens, A. (1990). the concequences of modernity, Cambridge, Dolity, press.

Governance in Globalizing world, Brookings Institution press, Washington.

Http: Globalization. Kof.ethz.ch.

Manouchehri, A. (2009). Approach and Method in Political Sciences, Tehran: Samt Publisher. (Persian).

Mc K, Tom, Marsh, D. (2005). "Comparative Method", In: Method and Theory in Political Sciences, edited by David Marsh and Gerry Stoker, Translated by AmirMohammad HajiYousefi, Tehran: Rahbordi Publisher.

Mcluhan, M. (1964). *Understanding media*, London, Routledge.

Robertson, R. (2001). *Globalization, Global Social and Cultural Theories*, translated by Kamal Pooladi, Tehran: Sales Publisher.

Rosentone, J.; Stevon and Hansen, J. M. (1992). *Mobilization, participation and Democracy in America*, New York, Mc Millan.

Sajadpour, S. M K (2003). *Globalization: Impressions and Consequences*, Tehran: Bureau of Political and International Studies. (Persian).

Sariolghalam, M. (2008). *Iran and Globalization-Challenges and Solutions*, Tehran: Strategic Research Centre Publisher. (Persian).

Saroukhani, B. (2006). *Research Methods in Social Sciences*, Tehran: Etelaat Publisher. (Persian).

Sayadi, A. (2005). *Islamic Revolution and Challenges of Culture Globalization*, Tehran: Nikan Publisher. (Persian).

Syed-Emami, K. (2008). *Research in Political Sciences, Economic-Interpretive Positivist Approaches*, Tehran: Hormoz Publisher. (Persian).

Shahramnia, S. A. M. (2006). *Globalization and Democracy*, Tehran: Negah Moaaser Publisher. (Persian).

## A Comparative Study of the Impact of Globalization on Iran's Social Development in the Two Governments of Khatami and Ahmadinejad

Farzaneh Seyfouri<sup>1</sup>, Seyed Amir Masoud Shahramnia (Ph.D)<sup>2</sup>  
Abbas Hatami (Ph.D)<sup>3</sup>, Seyed Javad Emamjomeh Zadeh (Ph.D)<sup>4</sup>

DOI: 10.22055/qjds.2020.15702

### Abstract:

The globalization and the development of the independent and interdependent discourses have been less considered in comparison to each other. The present study is influenced by the impact of globalization on development. It has chosen Roland Robertson from among the theorists in this field. This paper, with an emphasis on the social aspects of globalization, aims to compare the impact of globalization on the social development of the Islamic Republic of Iran in two administrations led by Khatami and Ahmadinejad from 1997 to 2013. Thus, the independent variable of this study will be the globalization and variability of the social development of Iran in these two administrations. In terms of the theoretical foundations in this research, the patterns of generalization of political development and social development are selected. The research hypothesis was looked at with regard to the world-leading statistics on social development in both administrations, Khatami's approach based on reform and global reform, and Ahmadinejad's approach based on indigenous and local criteria. The research method is comparative. Studies in the present paper show that the trend of globalization in both administrations has contributed to the growth and development of social aspects, and has greased the wheels for a different continuation of this process in Iran as compared to other countries.

**Key Concepts:** Globalization, Social Development, Global Reforms and Indigenous Thoughts, Khatami Government, Ahmadinejad Government

<sup>1</sup> PhD in Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran, farzaneh.seifoori@gmail.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran, abbas.hatami@yahoo.com

<sup>4</sup> Associate Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran, javad@ase.ui.ac.ir



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).